



سیری بر تاریخ و ویژگی های تاریخی شهر قم

شکرالله خاگرد

عضو هیئت علمی بخش تاریخ دانشگاه شیراز

نقشه برداری جغرافیایی مدعی هستند که قم همان شهری است که بطلمیوس آن را، گونا یا گورینا (Gauna, Gurina) خوانده است^۱. مترجم بطلمیوس می گوید که مقصود مصنف کوآما (Choqma) می باشد. بعضی از محققین معتقدند که قم، آرابت (Arbaete) یا هکاتوم پیل (Hecatompille) باستان است^۲.

قبل از اسلام مردمان آن آیین زرتشتی داشتند. در یکی از قراء شهر به نام «مزدیجان» آتشکده ای کهن به نام «آذرچشمن» قرار داشت که یکی از آتش های سه گانه ای بود که ایرانیان قدیم در حق آن بی نهایت غلو می کردند^۳.

این شهر در سال ۲۳ هـ ق به دست سپاه ابوموسی اشعری فتح گردید، ولی مردم شهر زرتشتی ماندند^۴. ابوموسی بر آنان اسلام را عرضه داشت و آنان پذیرفتند که «جزیه» بپردازند. شواهد و قرائن بیان می دارد که اسلام از روز نخستین در لباس تشیع وارد قم شده و پیش از آن مردم شهر بر آیین سابق خود کماکان باقی بوده اند.

در اواخر قرن اول هجری گروهی از اعراب اشعری که از هواداران عبدالرحمن بن محمد بن اشعث، امیر سیستان بودند، پس از شکست خوردن او از حجاج پراکنده شده و

قم شهری باستانی است و حتی در اواخر دوره ساسانی از شهرهای نسبتاً بزرگ و مهم ایران بوده است. روشن ترین دلیل قدمت شهر قم مکان جغرافیایی آن و انشعاب راههای عمده تجارتي از این شهر است. به حکم اقتضای مکانی از دوره ای که ری و اصفهان آباد شده اند، ناچار این شهر هم که در میانه آنها قرار دارد معمور شده است. قدمت این شهر به پایه ای است که بنای آن را به یکی از پادشاهان پیشدادی - تهمورث - نسبت داده اند. شکی نیست که در زمان ساسانیان، قم معروف بوده است. در شاهنامه فردوسی هم سه بار نام قم ذکر شده است که نشانه اشتهار آن در دوره ساسانی است.

ابن حوقل و استخری شمه ای درباره حصار قدیمی قم نگارش کرده اند... بنا به قول استخری در یک منزلی شهر، دیهی بوده است به نام «قرية المجوس» که مردم آن همگی کیش زرتشتی داشته اند. کثرت آثار زردشتی مثل معبد و آتشکده و دخمه و غیره را در اطراف قم از روی کتاب ترجمه تاریخ قم می توان معلوم کرد. یاقوت نیز آثار دژهای قدیمی ایرانی را در قم دیده است^۵.

شاردن می گوید: بسیاری از علمای متبحر در فن

۱. فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج ۱، قم، ۱۳۵۰ هـ ش، ص ۷۰.
۲. اولنساریوس، آرام، سفرنامه اولساریوس، ترجمه احمد بهپور، ۱۳۶۳ هـ ش، ص ۱۶۴.
۳. شاردن، ژان، سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، امیرکبیر، ۱۳۴۵ هـ ش، ص ۷۸.
۴. مدرسی طباطبائی، حسین، قم در قرن نهم هجری، چاپخانه حکمت، قم، ۱۳۵۰ هـ ش، ص ۱۰۹.
۵. ابودزی، ابوالحسن احمدبن یحیی، فتوح البلدان، قاهره، ۱۹۵۶ م، ص ۲۲۰.



خلافت رسم مهمانداری قمی‌ها و تناسب آب و هوای قم با زندگی عربها از علل عمده مهاجرت مخالفین حکومت به این دیار بود.

به هر حال وقتی اشعری‌ها و دیگر قبایل عرب به قم آمدند، به احتمال قوی بسیاری از مردم قم، دین مبین اسلام را پذیرفته بودند. از مهمانان استقبال کردند و در اکرامشان کوشیدند و زمین و آب و بذر در اختیارشان گذاشتند. رفته رفته بر اثر مرور زمان این اقوام مهاجر جزو ساکنان اصلی شدند و به زبان ایشان سخن گفتند و حتی زبان خود را فراموش کردند و به آداب و رسوم مردم بومی عمل کردند.^۸

قم مقارن آمدن اشعری‌ها هفت قسمت بود و بعداً به دو قسمت تقسیم شد که رودخانه میان آن دو قسمت فاصله می‌انداخت. قسمت بزرگتر به نام مینجان در سمت راست رودخانه قرار داشت و یک هزار خانه و قلعه‌ای از آن ایرانیان قدیم در این قسمت وجود داشت. قسمت کوچکتر به نام کمیدان در سمت چپ رودخانه واقع بود. مردم قم نیز دو گروه بودند؛ یکی عربهای بنی‌الاشعر و آل مذحج، و دیگر مردم بومی که از نژاد ایرانی بودند.

از مجموع حوادث مربوط به نفوذ اعراب اشعری در این منطقه که راوی اصلی آن مؤلف تاریخ قم است، چنین برمی‌آید که گروههایی از عجمان در این منطقه می‌زیستند، اما اعراب پس از مدتی آنها را از آن نقطه بیرون کرده و از بین برده‌اند.^۹

خاندان اشعری با ائمه معصومین در ارتباط بودند و این ارتباط به مرور گسترش یافت. روایات فراوانی که از ائمه در فضیلت قم و اهالی آن نقل شده است، اهمیت آن را در نگاه امامان(ع) نشان می‌دهد و شهر قم همیشه پناهگاهی برای یاران ائمه بود. نقل شده است که مردم قم اولین کسانی بوده‌اند که برای ائمه(ع) خمس فرستاده‌اند.

نقل است که امام رضا(ع) در سفر به مرو از قم گذشته است و مدرسه رضویه قم احتمالاً یادگار محل اقامت آن حضرت در قم است. قم مأوای فاطمیان نیز بود. وجود ۳۴۴ امامزاده در قم نشان دهنده این مسأله است که این شهر از معدود مناطق مورد اطمینان و پناهگاه شیعیان و علویان به شمار می‌آید. برای مردم این شهر شیعه مذهب، بسیار جالب بود که کسی از علویان در آن شهر قدم گذارد. آنان نه تنها نسبت به علویان بلکه نسبت به متعلقات آنها، بسیار علاقمند بودند. وقتی دعبل خزاعی با جبه‌ای که از امام رضا(ع) به پاس اشعارش گرفته بود، بدین شهر آمد، آنها با اصرار جبه را از او گرفتند.^{۱۰}

با مردم سنی مذهب اصفهان هم منازعاتی داشته‌اند و به خاطر تعصب شیعی آنان، بارها شهر به ویرانی کشیده شده است. ولی با این همه صاحبان ادیان و مذاهب

رو به این سو نهادند و به قم آمدند و با کوشش و همت و پشتکار آنان اندک اندک قم به صورت شهر معتبری درآمد. تهاجم مسلمانان به ایران برعکس سایر تهاجمات بزرگ تاریخ، نه تنها مانع رشد شهرنشینی، تمدن و فرهنگ ایران نشد، بلکه در پرتو تعالیم و جهان بینی اسلام به آن سرعتی شگرف بخشید.

شهر قم نیز به سرعت توسعه یافت و باروی حصار آن از ده هزار گام بالا گرفت و مردم قم چنان عظمت و اهمیت یافتند که گویی در کشور نیمه مستقل کوچکی در قلب دارالاسلام زندگی می‌کردند، چنان که در آغاز ظهور خلفای عباسی و ابتدای خلافت سفاح در سال ۱۳۲ هـ ق تا اواخر دوره هارون از پرداخت باج و خراج خودداری می‌کردند و در زمان هارون، قم از اصفهان مستقل شد.

اشعریانی که به قم آمدند شیعه بودند. نویسنده تاریخ مذهبی قم معتقد است که قمی‌ها قبل از آمدن اشعری‌ها هم، شیعه بودند و با عمال بنی امیه مبارزه می‌کردند، زیرا قم یکی از پناه گاه‌های قیام کنندگان در مقابل بنی امیه بود. از جمله (به قول طبری) در سال ۷۷ هـ ق مطرف بن مغیره بن شعبه از مقابل حجاج فرار کرد و به قم و کاشان آمد و مردم گرد او برآمدند. و اشعری‌ها ۱۵ سال بعد به قم آمدند. همچنین گفته شده است که هنگام قیام مختار (۶۶-۶۷ هـ ق) جمعی از بنی اسد به قم آمده و در قریه جمکران اقامت کردند.

در ایران بعضی شهرها از جهت آب و هوا با طبع اعراب موافق بود و مورد توجه آنها واقع می‌شد که سرزمین قم نیز از این گونه بود. در بین مهاجرین - مخصوصاً در عهد بنی امیه - گاه کسانی بودند که به سبب تشیع یا به جهت انتساب به خوارج نمی‌توانستند در عراق و شام زندگی کنند، مجاورت این مهاجرین در آغاز برای ایرانی‌ها دشوار بود... در قم نیز با آنکه ابتدا آمدن اعراب را با حسن قبول تلقی کردند و با آنها پیمان دوستی بستند، ولی خیلی زود از این کار پشیمان شدند، و بنا به قول نویسنده تاریخ قم: کودکان و بی‌خردان و دیوانگان سنگ و پلیدی به خانه اعراب می‌افکندند... گاه در موارد بروز اختلاف جزئی، جنگ و نزاع محلی برمی‌خاست و در بعضی موارد نیز ورود این مهمانان ناخوانده با حسن قبول مواجه می‌شد، زیرا مردم از آنها تعالیم اسلام و قرآن را می‌آموختند و گاه در پناه آنها از تجاوز عمال و دزدان و راهزنان دیگر در امان می‌زیستند. از آن گذشته گاه معاشرت و صحبت با فاتحان مداین و نهاوند را افتخار می‌شمردند، بسا که ورود این همسایگان تازه وارد را جشن می‌گرفتند. زرتشتیان قم نیز به دلایلی وجود اعراب را در حدود خود مغتنم شمردند و از آنان در مقابل حملات دیالمه بهره بردند...^{۱۱}

دور بودن قم و در امان بودن این منطقه از مأمورین

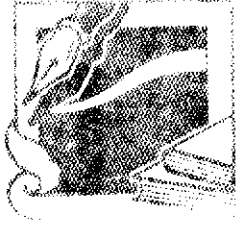
۶. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸ هـ ش، ص ۳۷۰-۳۷۱.

۷. ارباب، محمدتقی، تاریخ دارالایمان قم، به کوشش مدرسی طباطبائی، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۵۳ هـ ش، ص ۳۹.

۸. فقیهی، علی‌اصغر، تاریخ مذهبی قم، انتشارات صبا، ص ۴۲.

۹. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵ هـ ش، ج ۱، ص ۱۷۹.

۱۰. همان، ص ۱۹۸.



سفارش کرد که به امور مربوط به شهر و مردم آن رسیدگی نمایند.^{۱۷}

محدثان و فقهای شیعه نیز به علت سخت گیری ها و تضییقات فراوانی که از قرن های نخستین درباره طرفداران امامان وجود داشت، به مناطق امن از جمله قم روی آوردند و در قم اقامت کردند و همین امر موجب شد که قم به یک محیط شیعی صرف تبدیل شده و با فاصله گرفتن از دخالت مستقیم و تسلط عمال خلفا به مرور جانشین حوزه دینی کوفه گردد.

اولین مکتب فقهی امامیه در قم توسط اعراب اشعری بنیاد نهاده شد. فقه شیعه به طور علنی تدریس می شد. شاگردان این مکتب به اقتضای زمان، راه ترویج و اشاعه دیانت را در آن دیدند که در خدمت امراء درآیند و برنامه ای تنظیم کرده و در پی اجرای آن درآمدند... همان گونه که بیان شد این امر منجر به تشکیل حکومت های مستقل از آل علی در طبرستان و... شد.

پیشرفت کار رکن الدوله را می توان مرهون مساعی ابن العمید قسمی وزیر او دانست که همین وزیر شهیر معزالدوله را هم بر خلع المستکفی، خلیفه عباسی، و نصب المطیع به جای او واداشت...^{۱۸} احمد بن عبید بن ناصح دیلمی از تربیت یافتگان این مکتب، به قتل پدر متوکل به علت سب حضرت زهرا(ع) اقدام کرد و قتل خود متوکل نیز عکس العمل قتل ابن سکیت، عالم شیعی، بود.

نخستین مکتب اسلامی را در قم عبداللّه بن سعد اشعری، صاحب ۱۵ پسر، از صحابه دو امام شیعه، حضرت باقر(ع) و حضرت صادق(ع)، بنا نهاد و دومین مکتب بزرگ قم را علی بن بابویه در غیبت صفری بنیان گذاشت. اگر یک محقق تاریخ از خلال پدیده های سال ۲۸۰ تا ۳۳۹ هـ ق جهان اسلام بر اوضاع بنگرد، با استنباط درست مسائل و ارتباط حوادث به یکدیگر، می تواند، چنین استنتاج کند که امور مهم اسلامی در قم، از همین مکتب سرچشمه گرفته است. حتی قیام ناصر کبیر و گسترش نفوذ ناصر صغیر و تسلیم خطه ری به وی از ناحیه امیر محمد بن صلعموک و سپس تکوین آل بویه و وزارت استاد و فرزندش و اعزام شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه به دعوت رکن الدوله به ری و مسافرت های پربرکت او به بغداد و خراسان و بنیان روضه نجف اشرف از ناحیه ناصر و اعزام شیخ مفید و ابن قولویه به بغداد و خلع خلیفه و نصب خلیفه بعدی و بالاخره افتتاح مکتب جعفری در بغداد... و اقامه عزاداری بر سیدالشهدا... همه در قم طرح ریزی و در مکتب علی بن بابویه برنامه ریزی گردیده و سپس به موقع اجرا گذاشته می شده است.^{۱۹}

در قرن پنجم به دنبال اقامت علمای بزرگ شیعه در

مختلف نیز در شهر قم می زیستند. تاریخ قم از وجود اهل تسنن و زیدیه و یهودیان، بلعسی از خسوارج، عیون اخبارالرضا از نواصب و مرجئه، و مسعودی در التنبیه و الاشراف از وجود خرمیان در این شهر خبر داده اند.^{۱۱}

از آنجا که این شهر، یکپارچه گرایش شیعی داشت، نمی توانست به حکومت خلفا تن دهد و سعی داشت به هر شکلی، مقاومت خود را آشکار کند. این سرسختی و مقاومت از نکات جالب و در عین حال عجیب تاریخ قم است که در بررسی وقایع این شهر در همه دوره ها و از جمله در همین قرن به چشم می خورد... به همین جهت در طی قرون مختلف مردم قم بارها بر خلفا و زمامداران وقت شوریده و از اطاعت آنان سر باز زده اند و با آنکه هر بار به سختی «تنبیه» و مجازات شده اند و گاهی این شورش ها به ویرانی قسمت مهمی از شهر، و کشته شدن گروه هایی از مردم منجر شده ولی باز هم قمی ها در روش خود تغییری نداده و پس از مدتی کوتاه مجدداً سر به نافرمانی برداشته اند.^{۱۲}

صاحب نزهةالقلوب نیز در زمان خود سخن از خرابی شهر و نیز تشیع اثنی عشری و تعصب مردم قم می گوید.^{۱۳}

اصولاً قمی ها به هیچ وجه برای پرداخت خراج به خلفا حاضر نبودند و عمال خراجی که از طرف خلفا به قم فرستاده می شدند، مجبور بودند به ضرب «چوب و فلک» از مردم پول بگیرند.^{۱۴} برعکس به ولات و امراء شیعی مذهب مبالغ هنگفتی می پرداختند. در منابع تاریخی از شورش ها و مخالفت مردم قم با پرداخت خراج در دوره حکومت مأمون، معتصم، معتز، معتمد و مجازات سنگینی که متحمل شدند، یاد شده است؛ که گاهی شهر را با ویرانی و خرابی نیز مواجه کرده است. صاحبان اراضی غالباً بهانه می آوردند که محصول کم است از آفت صدمه دیده است. اعراب قم به کودکان خود می آموختند که در هنگام ضرورت از تنگی و سختی معیشت و خشکی و آفت شکایت کنند و بدین ترتیب حيله عدم پرداخت مالیات را به آنان یاد می دادند.^{۱۵}

با ظهور سلسله آل بویه طرز مبارزه مردم قم با دستگاه خلافت به کلی تغییر کرد و به مبارزات اصولی تبدیل شد. پسران بویه را تقویت کردند و با قدرت ایشان خلیفه را خلع و دیگری را نصب کردند و حکومت هایی را از آل علی در طبرستان به نام ناصر کبیر و ناصر صغیر روی کار آوردند. برنامه علی بن بابویه نیز مثبت و مفید و اصولی بود.^{۱۶}

گروهی از دانشمندان برای تبلیغ و ترویج از قم به خدمت امراء شتافتند که اکثر ایشان به مقام وزارت و امارت و دیگر مقام های سیاسی رسیدند و نام وزرای قمی زینت بخش کتب تاریخی شد.

کسانی همچون صاحب بن عباد به عمال خود در قم

۱۱. قم در قرن ۹ هجری، ص ۳۳۷.

۱۲. همان، ص ۹۳.

۱۳. مستوفی، حمدالله، نزهةالقلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۳۶ هـ ش، ص ۷۳.

۱۴. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، تصحیح و تحشیه سیدجلال الدین تهرانی، انتشارات توس، ۱۳۶۱ هـ ش، ص ۱۶۱.

۱۵. تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۴۵۲.

۱۶. گنجینه آثار قم، ص ۱۶۳.

۱۷. فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، انتشارات صبا، ۱۳۶۶ هـ ش، ص ۴۵۰.

۱۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ هـ ش، ج ۱، ص ۷۳۹.

۱۹. گنجینه آثار قم، ص ۹۳.



اکنون خراب است .»

البته در سالی که غازان خان، پیش از رسیدن به مقام ایلخانی ایران، حاکم قم بود، این شهر تا حدود زیادی تجدید حیات کرد، و شاید از همین نظر «ابوالفداء» در قرن هشتم آن را از شهرهای بزرگ و معتبر عراق عجم شمرده است. لیکن باید توجه داشت که تا آغاز قرن نهم، قم هرگز موقعیت و اهمیت پیشین را به دست نیاورد ولی از اوایل همین قرن بود که تحولاتی در آن راه یافته و موجب شد که به زودی موقعیتی کسب کند و در نیمه دوم این قرن از شهرهای بزرگ ایران به شمار آید.

بنابه گفته «شاردن» تیمور چون مخالف شیعه بود و مذهب سنت و جماعت داشت قم را کاملاً ویران ساخت. دیگر سفرنامه نویسان نیز از صدمات و لطماتی که تیمور بر قم یا حرم مطهر وارد کرده است، سخن گفته اند. ولی نویسنده کتاب قم در قرن ۹ هجری معتقد است که: «در جریان یورش های تیمور نه تنها قم ویران نشده بلکه اصولاً تیمور قم را ندیده و از آن عبور نکرده است. نام قم در ظفرنامه یزدی و شامی ذکر نشده است و در ضمن، قم در مسیر لشکرکشی های سه گانه تیمور نبوده است.

به هر حال آمدن تیمور به قم می بایست مانند نظائر دیگر خود، وجهی داشته باشد، به این ترتیب یا در میان راه او واقع شده و امیر تاتار از آن عبور کرده و یا دست کم حاکم آن شهر با وی مخالفت ورزیده و از دستور او سرپیچی نموده باشد.

وجه دوم نیز هرگز پیش نیامد، چه تیمور در سال ۷۸۴ هـ ق نامه هایی به امرای مناطق مرکزی ایران نوشت و آنان را به حضور طلبید که همگی جز امیر مازندران فرمانبرداری نمودند. از آن جمله «ابراهیم قمی»، امیر قم بود (عجائب المقدور) بر همین اساس قم در اوایل حمله تیمور به ایران، داخل قلمرو او محسوب می گردید و امرای وی بر این شهر حکومت می کردند.

قم گرچه پس از قتل عام مغول، در دوران ایلخانان تا حدود زیادی تجدید حیات یافته و از صورت ویران خود بیرون آمده بود، لیکن با این همه در آخرین سالهای قرن ۸ هجری هنوز موقعیت چندانی به دست نیاورده بود. پس از این در سال های نخستین قرن نهم نیز طبعاً تحول مهمی در قم به وجود نیامد و وضع این شهر تقریباً به همان صورت سابق باقی بود. ولی از اواخر دهه دوم قرن نهم حاکم عراق در قم اقامت گزید و همین موضوع موجب شد که اندک اندک این شهر رو به پیشرفت و ترقی نهاد و آبادی فراوان یافت، تا جایی که در نیمه دوم این قرن، قم از شهرهای نسبتاً پرجمعیت، آباد و معتبر ایران به شمار می آمد^{۲۴}.

قم در این قرن موقعیت سیاسی مهمی نیز داشته و از جمله مرکز عراق عجم بود. در دوره تیموریان این شهر به

بغداد و نجف اشرف، آن دو شهر هم به صورت مراکز علمی شیعه درآمد، ولی قم همچنان موقعیت و اهمیت خاصی را که در آن دوره به دست آورده بود و شکوه و عظمت خود را حفظ کرد.

قم در اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم «شهری بزرگ» بوده و این معنی از خلال ابواب موجود تاریخ قم نیز به خوبی و روشنی استفاده می شود. لیکن باید توجه داشت که این عظمت و اهمیت تا سال ۳۷۲ هـ ق که سال تألیف کتاب حدود العالم است، نپایید چرا که در کتاب مزبور آمده است: «قم شهری است بزرگ و ویران» (ص ۱۴۲) و در مقدمه تاریخ قم نیز که به سال ۳۷۸ هـ ق نگارش یافته، آمده است که: «این کتاب که من تصنیف می کنم، اگر مشتمل بر غیر این معنی و مقصود بودی از فنون، آداب و صنوف اشعار مدونه بسیار آسانتر بودی از جمع اخبار شهری که محل او مندرس شده و اهل او منقرض گشته و از آن نام و نشانی مانده». (ص ۱۳) و از پاره ای از نامه های صاحب بن عباد - وزیر دانشمند آل بویه - نیز استفاده می شود که قم در آن سالها سخت دچار ویرانی بوده است.

از نیمه قرن پنجم، قم مجدداً رو به پیشرفت نهاد و تکاملی همه جانبه آغاز کرد تا آنجا که در اواسط قرن ششم به اندازه ای گسترش یافت که در دو جای آن نماز جمعه برپا می شد^{۲۵}. این عظمت همچنان ادامه یافت تا اینکه در حمله مغول (۶۱۷ هـ ق) این شهر قربانی تعصبات مذهبی گردید و به سختی ویران شد و مردم آن قتل عام شدند. در حمله اول و دوم قمی ها تسلیم شدند؛ ولی در نوبت سوم با تحریک سنی های سپاه، امیر جبهه نوین، پسر چنگیزخان، کشتاری از مردم قم کرد که از جمله کشته شدگان، ابوالمعالی اسماعیل، نقیب النقبای کشور خوارزمشاه، معروف به سید سربخش، بود که بقعه وی اکنون وجود دارد^{۲۶}.

البته «اشپولر» معتقد است که خان های مغول با مدارای دینی که در پیش گرفته بودند، هیچ گاه دسته خاصی را بر دیگران برتری نمی دادند. و رفتار جبهه یک کار استثنائی و اجتناب ناپذیر بوده است^{۲۷}.

شهر قم در این فتنه (حمله مغول) به تلی از خاک و خاکستر تبدیل گردید و بعد از این حمله، محل شهر به طرفین رودخانه و مجاورت آستانه حضرت معصومه (س) انتقال یافت و شهر اسلامی «برواستان» به نام «قم درویش» خوانده شد و دیگر احدی حاضر نشد به خانه سابق برگردد.

لذا قزوینی در آثار البلاد می نویسد: «قم شهری است واقع در بلاد جبال، در سابق بزرگ و نیکو و پر نعمت بوده و بیشتر آن اکنون ویران است^{۲۸}.» حمدالله مستوفی نیز در اوائل قرن هشتم درباره قم نوشته است که: «اکثر آن شهر

۲۰. قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقص، تحقیق جلال الدین محدث از موی، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۸ هـ ش، ص ۴۳.
 ۲۱. میرخواند، محمدبن برهان الدین خاوندشاه، روضة الصفا، کتابخانه خیام، تهران، ۱۳۳۹ هـ ش، ص ۹۸.
 ۲۲. اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، نگاه ترجمه و نشر کتساب، ۱۳۵۱ هـ ش، ص ۲۳۹.
 ۲۳. قزوینی، زکریابن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، چ بیروت، دارصادر، ۱۹۶۰ م، ص ۴۴۲.
 ۲۴. سفرنامه وینزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات خسوارزمی، ۱۳۴۹ هـ ش، ص ۲۸۱.

مدت چند سال عنوان «دارالسلطنه» داشت. سلطان محمد بهادر، نواده شاهرخ، پس از مرگ او اعلام استقلال و سلطنت نمود و خطبه و سکه به نام خویش ساخت و قم عنوان دارالسلطنه یافت. قم در دوره‌های مختلف «دارالضرب» حکومت‌ها نیز بود.

بجز موارد فوق در بعضی سال‌های دیگر این قرن نیز، قم محل اقامت زمستانی پادشاهان وقت بوده است (جهانشاه ترکمان و اوزون حسن) در جریان این قشلاق‌ها به خاطر اقامت اردوی سلطنتی، امراء و سپاه ترکمان در قم این شهر شلوغ و متراکم می‌شده است و طبیعی است که این آمد و رفت‌ها (سفیران خارجی و ...) در پیشرفت قم تأثیر بسزایی داشته و موجب توسعه و ترقی همه‌جانبه آن در اواخر این قرن شده است.

قم در دوره صفویه سهم وافری از عمران و آبادانی یافت ... چنان که اکثر آثار تاریخی قم مربوط به دوره صفویه است، و شاه عباس اول مردم را به زیارت مشهد و قم تشویق و تحریض کرد و به این شهر جنبه زیارتی بخشید تا مردم به زیارت عتبات که هنوز در دست عثمانی‌ها بود، نروند. علاوه بر آن که پیدایش و قوام سلسله صفویه، سبب رونق بخش اقتصاد بازرگانی (داخلی و خارجی) شد. سیاست شهری شاه عباس که مبتنی بر رونق بخشیدن و توسعه شهرهای مرکزی کشور بود، موجب شد تا شهرهای مهم از رشد و توسعه بی‌نظیری برخوردار شوند.^{۲۵}

سیاحان خارجی در دوره صفوی شهر قم را دارای دوازده هزار خانه ذکر کرده و شهری بزرگ خوانده‌اند و از انبوه جمعیت آن در بازارها و خیابانها و کوچه‌ها حکایت کرده‌اند^{۲۶}. «اولتاریوس» از مهمان‌نوازی قمی‌ها در لحظه ورودش یاد کرده است^{۲۷}.

به گفته شاردن: آبادی حقیقی قم از زمانی که «شاه صفی» در قم مدفون شد، آغاز گشت و قم رونق بسزایی یافت^{۲۸}.

شاردن در تعریف و توصیف قم می‌گوید: «قم شهر بزرگی است که در دشت وسیعی در طول یک رودخانه و در مقابل کوه بلندی که نیم ساعت با آن فاصله دارد، واقع شده است. هیأت این بلده، مربع مستطیل است که از طرف مشرق به سوی مغرب گسترده شده است. مردم محل می‌گویند این شهر دارای ۱۵ هزار باب خانه است. اطراف قم را باغها و بساتین احاطه کرده‌اند. به علاوه باغات بزرگی نیز در آن طرف رودخانه دیده می‌شود ... دو دیواره عالی در لبه رودخانه به طول نهر و به درازای خود شهر وجود دارد، و در منتهی الیه شرقی رودخانه، پل بسیار باشکوهی بنا شده است. بازارهای بزرگ و خوبی دارد. برای تهیه آب آشامیدنی در قم، مردم از منابع تحت الارضی که با چهل یا پنجاه پله بزرگ به اعماق زمین

هدایت می‌شود، استفاده می‌کنند. کاروان‌سراها و مساجد زیبای متعددی دارد ... در شهر قم عمارات عالی و ابنیه شامخه دیگری نیز وجود دارد و به طور کلی بلده خوبی است، اما شدت گرمای آن موجب آزار و اذیت انسان می‌باشد^{۲۹}. «دیولافوا» نیز در سفرنامه خود حکایت از باغهای قشنگی می‌کند که مقبره حضرت معصومه (س) را احاطه کرده است^{۳۰}.

چنانچه از توضیحات شاردن معلوم می‌شود، این شهر در دوره صفویه اهمیت و عظمت خاصی داشته است. «تاورنیه» نیز از بزرگی شهر، زهد و تقوای سکنه و فراوانی نعمت آن سخن می‌گوید^{۳۱}.

این شهر بزرگ و پرجمعیت در دوره مهاجمین افغانی لطمات زیادی دید؛ چرا که قم در مرز قسمت متصرفی محمود افغان بود و برای جلوگیری از حملات احتمالی شاه طهماسب دوم از قزوین و ری، مرکز پادگان نظامی گردید و تعداد هفت هزار سپاه افغانی، پیوسته در این شهر متمرکز بودند به طوری که مدارس قم انبار غله و علیق گردیده بود. هنگام شکست اشرف افغان از نادر هم، چون او از قم می‌گذشت، تمام نفایس و زر و زیور آستانه، حتی طلاهای مرصع صندوق روی قبر شاه عباس را که میخکوب شده بود، برکند و به یغما برد. سپس نادر وارد قم شد و این سردار فاتح نیز مردم شهر را تحت شکنجه گذاشته عده‌ای را کشت و بسیاری را زندانی کرد که جمعی هم جلای وطن کردند و برخی از زندانیان نیز توانستند مدت حبس خود را خریداری کنند. در این دوره هم به قم صدمات و لطمات بسیاری وارد آمد و چون نوبت به آقامحمدخان قاجار رسید (۱۲۰۸ هـ.ق) به منظور کشورگشایی و اضمحلال دولت زندیه عازم اصفهان و فارس و کرمان شد و بر سر راه خود به تسخیر قم همت گماشت، زیرا حاکم زندیه دروازه‌ها را بسته بود و امیر قاجار در اراضی کمیدان خیمه و خرگاه افراشته می‌کوشید تا شاید با تدبیر شهر را مسخر سازد و سرانجام با خیانت دروازه‌بان دروازه ری که از علی‌اللهیان قم رود بود، شهر تصرف شد و باز هم گروهی از مردم کشته شدند و خانه‌ها طعمه حریق شد و سپس آقامحمدخان از شهر قم خارج گردید. شاعری سروده است:

قم با غم و غم با قم قسیرین است
بیچاره کسی که قم نشین است
و دو بیت زیر در کتیبه شاه‌نشین مدرسه فیضیه گچ بری شده است:

شهر قم فخرالبلاد ام القری
کاسمانش کرد یکسان با زمین
شد چنان ویران که نه بامی خراب
تادر او بومی شود منزل گزین
فتحعلی شاه با توجه به وضع مفلوک قم، نذر شرعی در

۲۵. سلطان‌زاده، حسین، روند شکل‌گیری شهرها و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲ هـ.ش، مقدمه.
۲۶. تاریخ مذهبی قم، ص ۱۷۰.
۲۷. سفرنامه اولتاریوس، ص ۱۶۲.
۲۸. سیاحت‌نامه شاردن، ج ۳، ص ۷۸.
۲۹. همان، ص ۵۹ به بعد.
۳۰. دیولافوا، ژان، ایران، کلمه و شوش، ترجمه علی‌محمد فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ هـ.ش، ص ۱۸۴.
۳۱. تاورنیه، ژ.ب، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۳۶ هـ.ش، ص ۱۸۷.



جهت در طی قرون مختلف بارها بر خلفا و زمامداران وقت شوریده و از اطاعت آنان سر باز زده‌اند. آنان از شجاعت و تهور قابل ستایشی برخوردار بودند و از این رو بدون آنکه عواقب خطرناک اعمال خود را در نظر بگیرند، دست به کارهای جسورانه می‌زدند. این «خصلت» موجب می‌شد که قمی‌ها هیچ وقت حاضر نباشند کوچکترین بی‌احترامی به خود و زورگویی را تحمل کنند. در تاریخ قم (ص ۳۰) آمده است که عاصم بن کوشید، والی قم با مردم شهر درستی نمود، اهل قم بر او جمع آمدند و او را بکشتند.

غیرت و جوانمردی، نیز یکی از خصائص قمی‌ها بوده است. در تاریخ قم علت بنای باروی قم در قسرن اول هجری تعرض رئیس دیلمیان مهاجم به یکی از زنان منطقه ذکر شده که قمی‌ها ضمن کشتار آنان برای جلوگیری از ورود دوباره دیلمیان باروی شهر را ساخته‌اند. قم در روزگاری که در تمام نقاط، شیعه در حال تقیه شدید به سر می‌برد، در جهان مرکز تشیع بود. مردم قم در راه عقیده خود فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌ها نموده و به همین جهت منظور نظر خاص پیشوایان بزرگ مذهب بوده‌اند. نگاهی سریع به مجلد چهاردهم کتاب بحارالانوار شاهد صدق این گفتار است. قمی‌ها به جهت سرسختی و تهور و ایستادگی‌شان با فتون نبرد آشنایی داشته‌اند. و علاوه بر آن به فتون دیگری نیز آشنا بوده‌اند که در آثار تاریخی قم نمودار است.

مردم قم از روزگار قدیم نسبت به علم و عالم احترام فراوان قائل بوده‌اند و همین موضوع موجب شده این شهر در بیشتر دوره‌های تاریخ خود دارای عنوان «دارالعلم» باشد.

در دوره اسلامی، قم همواره محل اقامت گروه بسیاری از علما و دانشمندان بوده و در میان آنان کسانی وجود داشتند که از وضع مالی خوبی نیز برخوردار بودند، مانند علی بن بابویه قمی که در زمان خود رئیس علمای قم بود و در بازار قم تجارت‌خانه‌ای داشت^{۳۲}. و از قرن دوم هجری به بعد عنوان «مرکز علمی» و «مجمع روحانی» نیز داشته است. در سال‌هایی که سلطان محمد بهادر، قم را مرکز حکومت خود قرار داده بود، شاید به منظور رقابت با دربار هرات به گردآوردن دانشمندان رشته‌های مختلف علوم در قم پرداخت.

از جهت موقعیت سیاسی و نظامی، قم در برهه‌هایی، در منطقه عراق عجم در تحولات نقش وسیعی داشت و بر منطقه گسترده‌ای حکومت کرد و به عنوان یک «مرکز فرماندهی و قدرت» به حساب آمد و نیروی مهمی در برابر گردن‌کشان و شورشیان مازندران و دیگر نقاط محسوب می‌شد.

و همین موقعیت مقطعی بر رشد اقتصادی شهر نیز

عمران قم کرد و در تمام مدت سلطنت خود یک روز هم کار عمران قم را متوقف نکرد و شاید این مسأله بدین خاطر بود که دوره قاجاریه، آغاز تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه ایران است... پادشاهان قاجار برای متلاشی کردن پیوند علما با بازرگانان و روشنفکران و مشروعیت بخشیدن به سلطنت خود، خیلی تلاش کردند و از این روی فتحعلی شاه قاجار برای نزدیکی به علما و کسب حقانیت مذهبی، تظاهر به دینداری می‌کرد... و هزینه زیادی صرف مرمت، احیاء و تزیین مکان‌های متبرک و مقدس از جمله قم کرد^{۳۲}.

بارتولد می‌گوید:

قم از نظر اهمیت مذهبی، دومین شهر ایران و زیارتگاه عده کثیری از زوار است. قبر حضرت فاطمه (س) خواهر امام علی بن موسی الرضا (ع) در قم واقع شده است. عمارت کنونی مقبره را فتحعلی شاه در قرن ۱۹ بنا کرده است. قبور عده کثیری از شاهان ایران، از قرن ۱۷ میلادی به این طرف و هم چنین مقابر بسیاری از بزرگان و مشایخ در قم واقع شده است^{۳۳}.

از ابتدای روی کار آمدن رژیم پهلوی، استعماری که در دوره قبل در ایران ریشه دوانیده بود، حیات اقتصادی و فرهنگی ایران را از رشد بازداشت و کشور به وضعی وابسته و نیمه مستعمره درآمد. همه شؤون جامعه دچار دگرگونی شد و تقلید بی‌رویه از غرب و استبداد شدید رژیم، آشفتگی عظیمی در روند تمدن و فرهنگ و از جمله شکل و عمل کرد شهرها پدید آورد و توازن و پیوستگی فضاهای کالبدی و نقش عناصر مهم آن را در هم شکست. البته در ابتدای این عهد، برخی از شهرسازان و معماران بیگانه با فرهنگ شهرسازی و معماری ایران با پیروی ناآگاهانه از شیوه‌ها و راه‌حل‌های غربی به این انحطاط شتاب بخشیدند و در نتیجه شهرهای بزرگ، هویت کالبدی-تاریخی و فرهنگی خود را از دست داد. علاوه بر این، قم به عنوان یکی از مراکز اصلی روحانیت و مردم قم به عنوان مردمی که در مقاطع مختلف تاریخی علاقمندی‌های مذهبی سرسختانه‌ای از خود نشان داده بودند، مورد بی‌توجهی ویژه حکومت پهلوی قرار گرفتند و همین امر موجب شد، شهر قم با وجود پیشینه و زمینه مناسبی که جهت رشد و توسعه داشت، به شدت به شکل شهری عقب مانده درآید.

نگاهی به ویژگیهای تاریخی قم

از نکات جالب و در عین حال عجیب تاریخ قم که در بررسی وقایع این شهر در همه دوره‌ها به چشم می‌خورد، سرسختی شگفت‌انگیز مردم این شهر است. به همین

۳۲. سلطان زاده، حسین،

مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ هـ.ش، ص ۱۶۷.

۳۳. بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه سره‌دوره، انتشارات توس، ۱۳۵۸ هـ.ش.

۳۴. آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان، ص ۴۵۰.

مؤثر شد. گرچه اقتصاد قم، همیشه بر پایه کشاورزی استوار بوده؛ ولی بجز آن، رشته‌های دیگری همچون فعالیت‌های صنعتی و پارچه بافی نیز در این شهر رواج داشته است. از جمله محصولات عمده کشاورزی در قرن‌های سوم تا نهم هجری، از بهترین انواع زعفران بود. محصولات مهم دیگر آن، پسته و فندق، خربزه، انگور، انار و انجیر سرخ بوده است. افول اقتصادی شهر گاهی تابعی از قحط سالی یا کم آبی بود.

مسئله آب در قم

آب همیشه مهم‌ترین مسئله مورد ابتلای مردم بوده و چه بسیار منازعات که بر سر این مسئله مهم منطقه‌ای درگرفته است. در حاشیه کویر بودن قم و عدم مساعدت شرایط جوی، آن را نقطه‌ای خشک کرده است. بدین خاطر قنواتی حفر شده و وقف‌هایی نیز وجود داشته است. از جمله در کتیبه‌ای چنین آمده است:

بود شهر قم ز بی آبی چو وادی عدم
گوئیا زین آب شد بار دگر ایجاد قم

مساجد و مدارس

از ویژگی‌های شهرهای ایران در دوره اسلامی وجود مراکز مهمی چون بازار و مسجد جامع است که آنها را می‌توان همچون شاهرگ حیاتی و قلب تپنده شهر دانست. پیوند و انسجام کالبدی بازار و جامع با هم و با دیگر مراکز مهم اقتصادی، اداری و فرهنگی شهر در سیمای شهرها به خوبی قابل مشاهده است.

مساجد جامع تا حمله و استقرار مغول با رونق و شکوه چشمگیری عملکردها و فعالیت‌های متعددی همچون فعالیت‌های عبادی، قضایی، آموزشی و گذران اوقات فراغت را در خود جای می‌داد، اما پس از حمله مغول‌ها، به علت جمود حکمرانان و اولیای وقت به تدریج فعالیت‌های آموزشی و تعلیم علوم عقلی به بیرون آن انتقال یافت. سپس با پیدایش حسینیه‌ها و تکایا در اواخر دوره صفویه و دوره قاجاریه، تا حدی از اهمیت و یگانگی آن در شهر کاسته شد. اما در مجموع نقش آن در رابطه با بسیج مردم به قدرت خود باقی ماند. چنان‌که مساجد در انقلاب مشروطه به عنوان مراکز اصلی جنبش، نقشی عالی ایفا نمودند.

از جمله مساجد معروف قم، مسجد جمعه (جامع)، مسجد امام حسن عسکری، مسجد پنجه علی و مسجد عشقعلی است. و از مدارس علمیه آن، که گاهی نقش مسجد را نیز داشته‌اند، می‌توان به این مدرسه‌ها اشاره کرد: مدرسه غیاثیه، رضویه (دومنار)، جانی خان،

فیضیه، دارالشفاء و حاجی.

مسجد جامع نزدیک دروازه‌ری از بناهای دوره سلجوقی و مربوط به نیمه نخست قرن ۶ هجری است. کتیبه بالای ایوان تاریخ ۵۲۹ هـ.ق دارد. در دوره فتحعلی شاه در سال ۱۲۴۶ هـ.ق تعمیر شد. و مسجد امام حسن توسط احمدبن اسحق اشعری، به دستور امام حسن عسکری (ع) ساخته شده است. مدرسه فیضیه از بناهای عهد صفویه است که شاه طهماسب اول برای سکونت مولامحسن فیض کاشانی آن را ساخته و بنای مصلی و دارالشفاء توسط فتحعلی شاه در سال‌های ۱۲۱۳-۱۲۱۴ هـ.ق ساخته شده است.

امام زاده‌های قم

- بنای شاه جعفر (شاهزاده جعفر)، از نوادگان امام کاظم (ع)، ۶۶۵-۶۶۷ هـ.ق؛
- علی بن جعفر، از فرزندان امام صادق (ع) در قسمت شرقی شهر بیرون دروازه کاشان، مربوط به نیمه نخست قرن هشتم هجری؛
- مقابر باغ گنبد سبز، بیرون دروازه کاشان در جانب شرقی شهر؛
- سه بنا از قرن هشتم مربوط به خاندان علی اصغی، فرمان‌روایان مستقل قم؛
- بنای سید سربخش در قسمت شرقی شهر، از نوادگان امام صادق (ع)؛
- شاه احمدقاسم در جنوب شرقی قم که بنای آن تجلی هنر گچ‌بری هنرمندان این دیار است.
- بنای شاهزاده ابراهیم (مزدیجان) در غرب شهر که بنای از دوره مغول است و مربوط به قرن‌های ۷ و ۸ هجری است. که محل دفن فرزندان امام هفتم (ع) است.
- چهل اختران در شرق شهر که از آثار قرن‌های ۹ و ۱۰ هجری است.
- خاک فرج؛
- شاه حمزه؛
- ...